



Study of Multilateralism of Foreign Trade in Iran by using the TOPSIS Method

Ehsan Rasoulinezhad ¹
Parisa Sabri ²

Abstract

One of the major issues at present in the Iranian economy is a greater regional convergence to increase trade and economic potential under Western sanctions. As a developing economy, Iran needs to adopt a multilateral approach in its trade relations with other world economies in order to properly utilize the production facilities of other countries. In this regard, the main purpose of this article is to examine more closely the issue of Iran's multilateralism in foreign trade with a focus on the Eurasian Economic Union and the Shanghai Cooperation Organization. To do this research, the method of performance evaluation based on Balanced Scorecard and ranking of options based on TOPSIS technique (TOPSIS) is used. The results of this study showed the Shanghai Cooperation Organization's better rank than the Eurasian Economic Union for joining Iran on the basis of four areas of financial performance, internal market, internal process, growth and learning. It seems that the emergence of three emerging economies, including China, India and Russia, in the Shanghai Cooperation Organization will create more business opportunities for the Iranian economy than the Eurasian Economic Union, which operates solely on Russian political influence.

Keywords: Multilateralism, Eurasian Economic Union, Shanghai Cooperation Organization, Balanced Scorecard, TOPSIS.

JEL Classification: C29, F02, F13

ارزیابی و بررسی مسئله چندجانبه‌گرایی روابط تجاری ایران با استفاده از روش تاپسیس (علمی پژوهشی)

* احسان رسولی‌نژاد

³ پریسا صبری

¹ Assistant Professor of Economics, Department of Russian Studies, Faculty of World Studies, University of Tehran, (Corresponding Author), e.rasoulinezhad@ut.ac.ir

² Master of Russian Studies, Faculty of World Studies, University of Tehran, parisa.sabri@ut.ac.ir

⁴ استادیار اقتصاد، گروه مطالعات روسیه، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، (نویسنده مسئول)، e.rasoulinezhad@ut.ac.ir

09125065289

³ کارشناس ارشد مطالعات روسیه، دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران، parisa.sabri@ut.ac.ir



چکیده

همگرایی بیشتر منطقه‌ای جهت افزایش توان تجاری و اقتصادی تحت تحریم‌های غرب، به یکی از مسائل مهم حال حاضر اقتصاد ایران در بخش روابط تجاری تبدیل شده است. کشور ایران به عنوان اقتصادی در حال توسعه نیازمند اتخاذ رویکرد چندجانبه‌گرایی در روابط تجاری خود با سایر اقتصادهای جهان به منظور بهره‌وری مناسب از امکانات تولیدی دیگر کشورها است. در این راستا، هدف اصلی این مقاله بررسی مقایسه‌ای دقیق‌تر مسئله چندجانبه‌گرایی ایران در بخش تجارت خارجی با تمرکز بر اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای است. جهت انجام این تحقیق، از روش ارزیابی عملکرد مبتنی بر کارت امتیازی متوازن و رتبه‌بندی گزینه‌ها براساس تکنیک تاپسیس (TOPSIS) استفاده شده است. نتایج این تحقیق، رتبه بهتر سازمان همکاری شانگهای نسبت به اتحادیه اقتصادی اوراسیا جهت پیوستن ایران را براساس چهار حوزه عملکرد مالی، بازار داخلی، فرآیند داخلی، رشد و یادگیری نشان داد. به نظر، وجود سه اقتصاد نوظهور شامل چین، هند و روسیه در سازمان همکاری شانگهای فرصت‌های بیشتر تجاری برای اقتصاد ایران نسبت به اتحادیه اقتصادی اوراسیا که تنها بر محور نفوذ سیاسی روسیه فعالیت می‌کند، ایجاد خواهد کرد.

کلیدواژه‌ها: چندجانبه‌گرایی، اتحادیه اقتصادی اوراسیا، سازمان همکاری شانگهای، کارت امتیازی متوازن، تاپسیس.

طبقه‌بندی JEL: C29, F02, F13

1. مقدمه

چندجانبه‌گرایی اقتصادی به معنای هم‌افزایی قدرت اقتصادی چند کشور از یک منطقه یا مناطق جغرافیایی مختلف به‌ویژه برای کشورهای در حال توسعه سیاست اقتصادی مناسب و درخور توجه است. چرا که در سایه همکاری تجاری، یک کشور توانمندی مناسب‌تری در حوزه تولید داخل، انتقال فناوری، جذب سرمایه‌گذاری و سیالیت نیروی کار خواهد داشت که خود به معنای رونق اقتصاد داخلی، اشتغال‌زایی، کاهش فقر و بیکاری و نیز حرکت به سمت سطح توسعه‌یافتگی بالاتر خواهد بود (حیدریان دولت‌آبادی و مظاهری کوهانستانی، 1398، ص: 110). در این راستا، بی‌نیاز (1390: 94) و صابری حقایق و همکاران (1397: 282) معتقد هستند که چندجانبه‌گرایی تجاری آثار رفاه اقتصادی، آزادسازی تجاری و افزایش صرفه ناشی از مقیاس بنگاه‌های اقتصادی را در یک اقتصاد به همراه خواهد داشت. چنین منافعی از سیاست چندجانبه‌گرایی تجاری برای کشور ایران از اهمیت بالاتری برخوردار است. اقتصاد کشور ایران در حال حاضر تحت تحریم‌های ناعادلانه غرب، تنش‌های سیاسی همسایگان جغرافیایی، ارزش پایین نفت خام در جهان و شیوع بیماری کرونا نیاز به تحول و تغییر شکل ساختاری دارد که یک بعد از این تحول و تغییر در توسعه صادرات غیرنفتی و افزایش تبادلات تجاری با کشورهای منطقه در جهت کاهش اثرات منفی تحریم‌های اقتصادی، کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، نقش موثر داشتن در ایجاد تعادل اقتصادی در منطقه و جبران خسارت‌های مالی ناشی از تعطیلی کسب و کارها از محل شیوع بیماری کرونا خواهد بود. صاحب‌نظران بسیاری همچون محمدزاده اصل و محمدی (1391)، مانی (1394)، رنجکش



(1396) و رسولی نژاد و کاظم‌نیا (1398) در مورد اهمیت توسعه تجارت و منطقه‌گرایی برای اقتصاد ایران گفت‌مان علمی و پژوهشی داشته‌اند. لزوم توجه اقتصاد ایران به مسئله چندجانبه‌گرایی و منطقه‌گرایی اقتصادی اهمیت انجام تحقیق در این باره را تبیین می‌نماید. در این تحقیق، نویسندگان جنبه چندجانبه‌گرایی تجارت خارجی ایران را از منظر پیوستن به مجامع اقتصادی - سیاسی منطقه‌ای مورد توجه قرار داده‌اند که از بین مجامع اقتصادی - سیاسی مختلف منطقه‌ای، اتحادیه اقتصادی اوراسیا (شامل ارمنستان، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و فدراسیون روسیه) و سازمان همکاری شانگهای (چین، قزاقستان، قرقیزستان، فدراسیون روسیه، تاجیکستان، ازبکستان، هند و پاکستان) به عنوان دو گزینه محتمل‌تر به دلیل عضو ناظر بودن در سازمان همکاری شانگهای در سال 2005 میلادی و امضای موافقتنامه تعرفه‌های ترجیحی ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا در سال 2018 میلادی در این مقاله مورد توجه قرار گرفته‌اند.

با وجود توجه مطالعات پیشین همچون حاجی یوسفی و الوند (1387)، بزرگی و حسینی (1390)، میرفخرایی (1394)، کوشکی و حسینی (1396) و راوندی و مهکویی (1397) به مساله پیوستن ایران به مجامع اقتصادی منطقه‌ای، نویسندگان مقاله حاضر تحقیق انجام شده‌ای پیرامون اولویت‌بندی پیوستن به دو مجمع اقتصادی اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای نیافتند. لذا این مقاله از لحاظ نوآوری، یافته‌های نوین و قابل استفاده برای محققان و خط‌مشی‌گذاران تجارت خارجی ایران خواهد داشت. ساختار این مقاله در ادامه به صورت زیر خواهد بود: بخش دوم مقاله به شرح ادبیات موضوع اختصاص خواهد داشت. در بخش سوم، روش تحقیق و در بخش چهارم یافته‌های تحقیق عنوان می‌شود. در بخش آخر نتیجه‌گیری تحقیق بیان خواهد شد.

2. ادبیات موضوع

مفهوم چندجانبه‌گرایی (Multilateralism) تجاری به عنوان زیربخشی از منطقه‌گرایی و جهانی‌سازی اقتصاد و تجارت برای نخستین بار در قرن نوزدهم در قالب یک سیاست کاربردی مورد توجه کشورهای جهان قرار گرفت. از دید اقتصاد سیاسی، چنین مفهومی مکمل لیبرالیسم اقتصادی و نظریه‌های تجارت آزاد بوده است و سیگیموتو و ناکاگاوا (Sugimoto and Nakagawa) (2011: 14) آغاز آن را به لغو قانون غلات (Corn Law) انگلستان در سال 1846 میلادی مرتبط می‌دانند. به طور کلی اگر چه صاحب‌نظران و اقتصاددانان کلاسیک همچون آدام اسمیت و دیوید ریکاردو چندین دهه قبل از قانون غلات انگلستان مبانی تئوریک اقتصاد آزاد را بنیاد نهاده بودند اما این نظریه کلاسیک‌ها پس از تحولاتی چند و در نهایت با لغو قانون غلات که براساس آن واردات محصولات کشاورزی به انگلستان آزاد شد، رسماً به صورت سیاست تجاری کشور انگلستان به عنوان صنعتی‌ترین کشور جهان در عصر خود درآمد. تجارت آزاد بر این دیدگاه استوار است که تخصص‌گرایی اقتصادی موجب افزایش کارایی مولد و درآمد ملی می‌شود و در نهایت همه کشورها از آن منتفع خواهند شد. مسئله تجارت آزاد برای کشورهای توسعه‌یافته بیشتر قابل مشاهده است و در مقابل کشورهای در حال توسعه نیاز به حمایت و حضور دولت به عنوان موتور پیشران در تبدیل حوزه تجارت به منطقه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی هستند. چنین



نیازی در ساختار مکتب ناسیونالیسم اقتصادی که در برخی از منابع هم مفهوم با نظریه مرکانتیلیست‌ها در نظر گرفته می‌شود (ژانگ و هی، 2014، ص: 214)، قابل بیان است.

ناسیونالیست‌های اقتصادی برخلاف طرفداران تجارت آزاد معتقد به مداخله اقتصادی و کنترل دولت در تجارت بین‌الملل هستند. چنین دیدگاهی پاسخی به دخیل بودن عوامل سیاسی در بحث‌های تجارت خارجی یک کشور است. به معنای دیگر تجارت آزاد با همه کشورها به طور یکسان امکان‌پذیر نیست و مباحث سیاسی و امنیت ملی موجب وحدت تجارت یک کشور با گروهی از کشورهای همسود می‌شود (اختیاری امیری و همکاران، 1398، ص: 168). دخیل دانستن عوامل سیاسی و امنیت ملی در تجارت بین‌الملل، منجر به شکل‌گیری منطقه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی در تجارت خارجی می‌شود. هرچند برخی نظریات دیگر همچون نظریه سازه‌انگاری، منطقه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی را در قالب همگرایی میان کشورها از دید عوامل هنجاری - ارزشی، رویه‌ها و ساختارهای معنایی رایج تعریف می‌کنند. از دید طرفداران این نظریه، منافع ملی و هویت اجتماعی یک کشور موجب ایجاد همگرایی تجاری آن با سایر کشورهای منطقه که دارای هویت و هنجارهای تقریباً مشترک هستند، خواهد شد (اکبریان و شکری، 1395، ص: 179).

در کنار این نظریات، می‌توان به نظریه وابستگی متقابل اشاره نمود که تجارت آزاد با ایجاد منفعت مشترک در همکاری‌های تجاری و اقتصادی در یک منطقه جغرافیایی، احتمال منازعه دولت‌ها را کاهش می‌دهد (مشیرزاده، 1390، ص: 46). به عقیده طرفداران نظریه وابستگی متقابل، چندجانبه‌گرایی و منطقه‌گرایی موجب افزایش حجم مبادلات بخش خارجی و در نتیجه وابستگی متقابل بین دولت‌ها خواهد شد.

اما به نظر مهمترین و کامل‌ترین نظریه در زمینه چندجانبه‌گرایی تجاری، نظریه کانتوری و اشیپگل¹ (1973) است. از دیدگاه تئوری آنها، چندجانبه‌گرایی یا همگرایی اقتصادی منطقه‌ای به معنای وضعیتی است که یک یا چند کشور همجوار تعامل‌گرا با یکدیگر تعاملات تجاری - اقتصادی داشته و پیوندهای مشترک قومی، زبانی، فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و سیاسی با یکدیگر دارند (سیف زاده، 1389، ص: 302). این دو پژوهشگر اهل آمریکا چهار متغیر ماهیت و میزان همبستگی، ماهیت ارتباطات، سطح قدرت و ساختار روابط بین دولت‌ها را به عنوان عوامل موفقیت چندجانبه‌گرایی تجاری عنوان کرده‌اند. ماهیت و میزان همبستگی اندازه مشابهت و مکمل بودن واحدهای سیاسی یک منطقه و میزان واکنش متقابل میان آنها، متغیر ماهیت ارتباطات بیانگر تعاملات میان نخبگان، تماس‌های دیپلماتیک، خطوط حمل‌ونقل، گردشگری و تعاملات رسانه‌های گروهی است. همچنین سطح قدرت به عنوان سومین متغیر الگویی، به معنای توانایی بالفعل و بالقوه و اراده سیاسی یک کشور و منظور از ساختار روابط، ویژگی روابط متقابل میان دولت‌های یک منطقه جغرافیایی است (سلیمان‌پور و سلیمانی درچاق، 1395، ص: 74).

با توجه به نظریه‌های ذکر شده می‌توان تعریفی جامع از چندجانبه‌گرایی به صورت "سیاستی اقتصادی در جهت افزایش تعاملات اقتصادی و تجاری با کشورهای منطقه‌ای در جهت حفظ منافع اقتصادی و سیاسی" تعریف نمود و همچنین این



تفکر را شکل داد که تصمیم به چندجانبه‌گرایی تجاری نیاز به استفاده از روش‌های علمی دارد چرا که اولاً این سیاست، تک بعدی و به صورت تعریف صرف منافع اقتصادی و تجاری نیست. ثانیاً، براساس نظریه ناسیونالیسم اقتصادی، تصمیم نهایی در امر چندجانبه‌گرایی به عهده و تلاش دولت خواهد بود که خود الزام دوری از تصمیم‌گیری‌های احساسی و غیرعلمی را پررنگ می‌سازد.

همگرایی منطقه‌ای پدیده‌ای است که پس از جنگ جهانی دوم به وجود آمده و می‌توان گفت مسئله‌ای نوظهور محسوب نمی‌شود چرا که از به وقوع پیوستن آن صدها سال می‌گذرد (چیف و ویتترز²، 2003، ص: 489). پس از جنگ جهانی دوم کشورهای زیادی تمایل به ادغام‌های اقتصادی در سطح منطقه‌ای پیدا کردند، هرچند که این تلاش‌ها اغلب به دلیل اختلافات سیاسی و موانع اقتصادی پیش‌بینی نشده به سرانجام نمی‌رسید.

مزایای حاصل از ادغام‌های اقتصادی و همگرایی منطقه‌ای اغلب به سطح و عمق توافق‌نامه‌های ایجاد شده مرتبط است و هراندازه همگرایی اقتصادی عمیق‌تر باشد، مزایای ایجاد شده برای کشورهای عضو نیز بالطبع بیشتر خواهد بود. همچنین میزان همگرایی اقتصادی میان دو دولت بستگی به تمایل و تعهد دولت‌ها به اشتراک‌گذاری حاکمیت خود در این توافقنامه دارد. نیروی محرکه و انگیزه برای ایجاد ادغام و همگرایی اقتصادی نیز مختلف بوده و انواع متفاوتی دارد. به‌طور مثال پانگستو و اسکولای³ (2001) از تجارت، توسعه و امنیت سیاسی به عنوان سه عامل محرک برای ایجاد همگرایی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه نام برده‌اند. هوکمن و همکاران (2002) از جنبه‌های اقتصادی و جنبه‌های سیاسی به عنوان انگیزه‌های اصلی ادغام اقتصادی نام برده‌اند و خاطر نشان کرده‌اند که تاثیر همگرایی اقتصادی بر کشورهای عضو به نوع توافقنامه و پوشش اصلی آن بستگی دارد. عضویت کشورهای بزرگ صنعتی در این توافق‌نامه‌ها برای کشورهای در حال توسعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا این مسئله منجر به یکپارچه‌سازی عمیق‌تر اعضا می‌شود که وجود آن فراتر از حذف ترجیحی موانع تجارت کالا با یکدیگر است (هوکمن، 2002، ص: 153). اثرات اقتصادی همگرایی منطقه‌ای بر اساس نظر هوکمن و همکاران شامل خلق تجارت (Trade creation)، انحراف در تجارت (Trade diversion) و نقل و انتقالات می‌شود.

طبق نظر تورادو و اسمیت⁴ (2006) خلق تجارت در جامعه زمانی اتفاق می‌افتد که سیاست مشترک تجارت خارجی و تجارت آزاد داخلی منجر به تغییر در تولید و افزایش تجارت میان کشورهای عضو شود. انحراف تجارت نیز زمانی روی می‌دهد که واردات از سایر نقاط جهان جایگزین واردات گران قیمت‌تر از کشور شریک شود. انحراف تجارت معمولاً امری نامطلوب تلقی می‌شود زیرا هم جهان و هم کشورهای عضو یک بلوک تجاری در نتیجه انحراف از امکانات تولیدی کارآمد خارجی محروم شده و می‌بایست به صنایع ناکارآمد داخلی کشورهای عضو اکتفا کنند. و درکل این نکته که خلق تجارت بیشتر از انحراف تجارت باشد، در کسب مزایا از همگرایی‌های منطقه‌ای از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (تورادو و اسمیت، 2006، ص: 647).



همگرایی اقتصادی منطقه‌ای می‌تواند یک هدف کارآمد اقتصادی را حتی فراتر از سود حاصل از آزادسازی تجاری از طریق کاهش عدم اطمینان و بهبود اعتبار و در نتیجه فراهم آوردن امکان برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری برای بخش خصوصی، ارائه نماید. در واقع، کاهش عدم اطمینان ممکن است جهت تحقق منافع حاصل از آزادسازی بسیار حیاتی باشد. این مسئله که اقتصاد یک دولت از مزایای ایجاد توافق تجاری منطقه‌ای بهره‌مند شود، به دامنه پوشش مفاد آن، ماهیت مکانیسم اجرایی آن و شرایطی که توافقنامه طی آن اجرا خواهد شد، بستگی دارد (فرناندز (Fernandez)، 1997، ص: 3).

بنابر گفته پارک و پارک⁵ (2007)، همگرایی منطقه‌ای می‌تواند عاملی برای جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی (FDI) محسوب شود. اصلاحات کلی از قبیل تثبیت‌سازی، آزادسازی بازار و خصوصی‌سازی که تحت تمهیدات منطقه‌ای انجام می‌شوند، بازدهی تمام عوامل را بالا می‌برند و جهت افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی کافی هستند. همچنین همانطور که بالدوین و ونابلس (Baldwin and Venables) (2004) اشاره کرده‌اند، همگرایی اقتصادی می‌تواند تضمین کند که امر تولید بر اساس مزیت نسبی هر یک از اعضا در حال انجام است زیرا این مسئله باعث افزایش تولید و خدمات شده و موجب بهبود تخصص‌گرایی آن منطقه و برنامه‌ریزی‌های کلی اعضای آن می‌شود.

پژوهشگران و صاحب نظران مختلفی به بررسی مفهوم چندجانبه‌گرایی، منطقه‌گرایی و جهانی شدن پرداخته‌اند. در این بخش می‌توان پژوهش‌های انجام شده پیشین را به دو گروه تقسیم کرد؛ گروه اول مطالعاتی هستند که به پژوهش درباره مفهوم کلی چندجانبه‌گرایی و منطقه‌گرایی و همچنین پدیده جهانی شدن پرداخته‌اند. گروه دوم شامل آن دسته از مطالعاتی است که به مفهوم چندجانبه‌گرایی و منطقه‌گرایی میان ایران و کشورهای مختلف توجه کرده‌اند که در ادامه به بررسی مهمترین و جدیدترین این مطالعات در این دو گروه پرداخته خواهد شد:

مطالعات گروه اول شامل تحقیقات پیرامون تجارت آزاد، منطقه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی در شکل مفهومی و موردی کشورهای جهان می‌شود. فرند⁶ (2000) در مطالعه‌ای به بررسی چندجانبه‌گرایی تجاری و موافقت‌نامه‌های ترجیحی تجارت با استفاده از مدل رقابت کامل پرداخته است. به عقیده وی، کاهش تعرفه‌های چندجانبه منجر به ایجاد موافقت-نامه‌های تجاری ترجیحی میان کشورها و در نتیجه سطح با کیفیت‌تر از چندجانبه‌گرایی تجاری خواهد شد. او معتقد است نتیجه مذکور می‌تواند در توضیح روند فعلی منطقه‌گرایی مفید واقع شود. بگول و استایگر⁷ (2004) در تحقیقی به مطالعه فرصت‌های تجارت چندجانبه با کشورهای جهان تحت مقررات سازمان تجارت جهانی پرداختند. آنها در این پژوهش از مدل تعادلی تجارت میان سه کشور استفاده کرده‌اند. بر اساس این مدل، کشور مبدا و دو کشور خارجی دیگر به مبادله کالاهای x و y که کالاهای عادی و مصرفی بوده و تحت شرایط افزایش هزینه‌های فرصت تولید شده‌اند، می‌پردازند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که فرصت‌ها و منافع دولت‌ها در تجارت‌های چندجانبه بسیار بیشتر از شرکت در مذاکرات دوجانبه بوده و اجرای اصول سازمان تجارت جهانی همچون اصل دولت کاملاً الوداد (MFNs (Most Favoured Nations می‌تواند سود همسان در تجارت‌های چندجانبه برای کشورها ایجاد کند. ساگی و ایلدیز⁸ (2010) در مطالعه‌ای به بررسی مفاهیم دوجانبه‌گرایی، چندجانبه‌گرایی و تجارت آزاد جهانی پرداخته‌اند. در این پژوهش آنها از مدل سازگار شده



صادرکنندگان رقیب (competing exporters) که توسط بگول و استایگر در سال 1999 توسعه یافته است، استفاده کرده‌اند. متغیرهای آنها شامل سه کشور A، B و C، و سه کالای a، b و c می‌باشد که بازار هر یک از این کشورها توسط دو صادرکننده رقیب احاطه شده است. آنها دریافتند برای توسعه تجارت به چندجانبه‌گرایی و جهانی‌شدن می‌بایست ارزش منافع تولیدکنندگان نزد دولت بیش از درآمدهای تعرفه‌ای و منافع سیاسی باشد. چوی⁹ در مقاله‌ای در سال 2012 به مسئله منطقه‌گرایی اقتصادی اروپا و آسیای شرقی پرداخت. وی به این نتیجه رسیده است که الگوی منطقه‌گرایی در جهان متفاوت است و عواملی همچون استقلال سیاسی از کشورهای توسعه‌یافته، و سیاست‌های لیبرالیسم دولت‌ها تنها عوامل تفاوت در منطقه‌گرایی شرق آسیا و اروپا نبوده است. بلکه عوامل دیگری همچون شرایط ساختاری، ویژگی‌ها و جغرافیای اقتصادی - سیاسی کشورها نیز در الگوی منطقه‌گرایی تجاری‌شان دخیل است. ارگوزل و همکاران¹⁰ (2016) در مطالعه خود به اندازه‌گیری جهانی‌شدن شهرها از منظر منطقه‌گرایی پرداخته‌اند. جهت بررسی این ارتباط، کشور ترکیه و شهر ساکاریا (Sakarya)، یکی از شهرهای ترکیه به عنوان نمونه انتخاب شده و متغیر عملکرد صادراتی به عنوان اصلی‌ترین متغیر اقتصادی در نظر گرفته شده است. در این پژوهش، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که شاخص‌هایی همچون رقابت‌پذیری، تکامل تجاری و درجه باز بودن تجاری، فناوری - محور و کاربر - محور بودن اقتصاد کشورها نقش بسیار مهمی در همگرایی تجاری آنها با کشورهای منطقه دارد. کولیالی و همکاران¹¹ (2018) در مطالعه خود به بررسی روابط میان جهانی‌شدن اقتصاد، کارآفرینی و توسعه در کشورهای عضو بریکس (BRICS) پرداخته‌اند. متغیرهای مورد مطالعه در این تحقیق از منابع مختلف و طی بازه زمانی 2002 تا 2013 جمع‌آوری شده‌اند و یک پانل دیتای نامتعادل از اعضای کشورهای بریکس را تشکیل داده‌اند. آنها دریافتند که تعامل بیشتر تجاری - اقتصادی میان کشورها موجب کارآفرینی بیشتر نزد بنگاه‌های کوچک و متوسط شده و نتیجه آن در بلندمدت توسعه انسانی کشورها خواهد بود. رسولی نژاد¹² (2020) به بررسی همگرایی تجاری میان کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و کشور چین پرداخته است. متغیر مستقل در این پژوهش مقدار صادرات انرژی از کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به چین طی بازه زمانی 2001 تا 2017 در نظر گرفته شده است. نتایج تحقیق وی حاکی از آن است که وجود عامل انرژی می‌تواند منشا همگرایی تجاری میان کشورها شود که در آن کشورهای تولیدکننده انرژی به صادرات آن مبادرت ورزیده و در مقابل از کشورهای مصرف‌کننده انرژی، کالاهای تولیدشده و مصرفی دریافت نمایند.

گروه دوم از مطالعاتی که تحت بررسی قرار گرفته‌اند، مربوط به تحقیقات انجام شده پیرامون همگرایی، منطقه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی اقتصادی و تجاری کشور ایران می‌شوند.

در مطالعه‌ای، سلیمان پور و دامن پاک جامی (1387) به نقش چندجانبه‌گرایی و ترتیب‌های تجاری منطقه‌ای در توسعه دیپلماسی اقتصادی کشور ایران پرداختند. نتایج مطالعه آنها نشان می‌دهد که ایران برای دستیابی به بازارهای صادراتی جهان و افزایش سهم از این بازارها به نسبت جمعیت و توان اقتصادی خود، باید ایجاد فضای مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و پیگیری عضویت در سازمان تجارت جهانی را محور اصلی این تعامل قرار دهد. در کنار توسعه



روابط اقتصادی دوجانبه، یکی از مهم‌ترین گزینه‌های پیش روی ایران برای بسط تجارت و تعامل سازنده با اقتصاد جهانی، عضویت در ترتیب‌های تجاری منطقه‌ای و روی آوردن به چندجانبه‌گرایی است. کمال اردکانی (1387) تحقیقی پیرامون فرصت‌ها و چالش‌های تعامل منطقه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی برای کشور ایران انجام داده است و طبق یافته‌های وی، عضویت در یک ترتیب تجاری منطقه‌ای افزایش رفاه اعضای آن را تضمین نمی‌کند. به‌علاوه، تشکیل آن ممکن است به طور زیانباری رفاه کشورهای غیر عضو را به دلیل انحراف تجارت و آثار آن در مورد رابطه مبادله تحت تاثیر قرار دهد. در مطالعه‌ای، متقی و همکاران (1391) به بررسی همگرایی اقتصادی برای ایجاد یک بلوک تجاری میان ایران و کشورهای منتخب خاورمیانه پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که در منطقه خاورمیانه، کشورهایی که عضو یک اتحادیه اقتصادی هستند، تمایل کمتری برای تجارت با کشورهای دیگر را (در منطقه) دارند. دهشیری و رضایی جعفری (1393) به نقش نومنطقه‌گرایی اقتصادی در سیاست خارجی ایران پرداخته‌اند. به عقیده آنها کشور ایران براساس سیاست خارجی توسعه‌گرا می‌بایست به دنبال تعامل با بازارهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از رهگذر ایجاد سازوکارهای آزادسازی تجاری باشد. افراسیابی و حسین زاده (1398) اثر سرمایه انسانی بر کیفیت همگرایی منطقه‌ای اقتصاد ایران را طی دوره زمانی 1384-1396 مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که وقوع همگرایی منطقه‌ای در کشور ایران مورد تایید است. با این وجود سرعت همگرایی پایین است به طوری که مناطق مختلف کشور به طور میانگین با سرعت همگرایی 0/063 در مسیر رشد متوازن به سمت حالت پایدار در حال حرکت هستند. از دیگر نتایج این تحقیق می‌توان به اثرات مستقیم و سرریزی مثبت سرمایه انسانی بر روند همگرایی منطقه‌ای در کشور ایران اشاره نمود. سرمست و همکاران (1398) در مطالعه‌ای پیرامون منطقه‌گرایی ایران در آسیای مرکزی تحقیق نمودند. نتایج این مطالعه نشان داد که بر اساس ساختار ژئوپلیتیکی موجود ارائه الگوی مبتنی بر واقعیات و منافع ژئوپلیتیکی همگراساز (قوت‌ها و فرصت‌ها) و نیز دوری از عوامل تنش‌زای ژئوپلیتیکی (ضعف‌ها و تهدیدها) می‌تواند منطقه‌گرایی پایدار بین ایران و آسیای مرکزی در راستای منافع متقابل ایجاد کند.

در مطالعه‌ای دیگر، محمدی پور و همکاران (1398) به بررسی همگرایی منطقه‌ای میان ایران، عراق و ترکیه پرداختند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که در همگرایی منطقه‌ای عواملی همچون اختلافات قومی و مذهبی، چالش‌های محیطی و نفوذ قدرت‌های خارجی در خاورمیانه نقش معناداری در همگرایی اقتصادی کشور ایران با دو کشور عراق و ترکیه دارد.

بررسی مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که بررسی ضعف و قوت، تهدید و فرصت پیوستن ایران به مجامع اقتصادی منطقه‌ای همچون اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای و اولویت‌بندی پیوستن به این دو مجمع اقتصادی مغفول مانده است. لذا این مقاله سعی در بررسی این قسمت مغفول مانده در مطالعات چندجانبه‌گرایی خواهد داشت. گفتنی است این دو سازمان از این لحاظ که از بعد جغرافیا به عنوان هدف همگرایی منطقه‌ای برای اقتصاد ایران به حساب می‌آیند و هم‌آنکه کشور ایران در سال 2005 میلادی عضو ناظر در سازمان همکاری شانگهای و در سال 2018 میلادی موافقت‌نامه موقت تجاری با اتحادیه اقتصادی اوراسیا امضا نموده است، به دو عنوان، دو سازمان مورد توجه ایران جهت



عضویت دائم در نظر گرفته می‌شوند. لذا بررسی این دو سازمان برای اقتصاد بین‌الملل ایران از اولویت و ضرورت بالایی برخوردار است.

براساس داده‌های سایت تریدمپ (Trademap) که در جدول 1 ذکر شده است، حجم واردات ایران از اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا طی سال‌های 2001 الی 2018 میلادی افزایش پیدا کرده است. طبق جدول 1، حجم واردات ایران از اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا از حدود 1154 میلیون دلار در سال 2001 میلادی به رقم 1487 میلیون دلار در سال 2018 میلادی رسیده است. هر چند این روند در سال‌های 2010 و 2015 میلادی حرکت کاهشی داشته است.

جدول(1): حجم واردات ایران از اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا، 2001-2018 میلادی، هزار دلار

کشور	2001 میلادی	2010میلادی	2015 میلادی	2018 میلادی
ارمنستان	38194	40136	13276	22281
بلاروس	25282	49792	24971	23943
قزاقستان	270039	123955	106237	87068
قرقیزستان	14893	12142	1745	11375
روسیه	805694	432901	576552	1342654
جمع کل	1154102	658926	722781	1487321

منبع: سایت تریدمپ (Trademap) - <https://www.trademap.org/>

در مورد صادرات ایران به اعضای این اتحادیه، طبق داده‌های گردآوری شده از سایت تریدمپ (Trademap) که در جدول 2 نمایش داده شده‌اند، حجم صادرات ایران به کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا رشد مثبت داشته است و از رقم 165 میلیون دلار در سال 2001 میلادی به 439 میلیون دلار در سال 2010 میلادی و سپس به بیش از 607 میلیون دلار در سال 2018 میلادی رسیده است.

جدول (2): حجم صادرات ایران به اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا، 2001-2018 میلادی، هزار دلار

کشور	2001 میلادی	2010میلادی	2015 میلادی	2018 میلادی
ارمنستان	56965	113033	102110	158990
بلاروس	160	5995	4022	2762
قزاقستان	31645	68500	137864	131403
قرقیزستان	16448	40185	22050	33739
روسیه	60161	330576	173149	280517
جمع کل	165379	558289	439195	607411

منبع: سایت تریدمپ (Trademap) - <https://www.trademap.org/>



از لحاظ روابط تجاری ایران با اعضای سازمان همکاری شانگهای، جداول زیر قابل مشاهده هستند. طبق جدول 3، حجم واردات ایران از اعضای این سازمان از رقم بیش از 2391 میلیون دلار در سال 2001 میلادی به بیش از 14 میلیارد دلار در سال 2018 رسیده است. این در حالی است که حجم صادرات ایران به اعضای این سازمان (جدول 4) نیز طی سال های 2001 الی 2018 میلادی رشد فراوانی را تجربه کرده است. به گونه ای که کشور ایران به اعضای سازمان همکاری شانگهای صادراتی به مبلغ بیش از 659 میلیون دلار در سال 2001 میلادی و 13 میلیارد دلار در سال 2018 میلادی داشته است.

جدول (3): حجم واردات ایران از اعضای سازمان همکاری شانگهای، 2001-2018 میلادی، هزار دلار

کشور	2001 میلادی	2010 میلادی	2015 میلادی	2018 میلادی
هند	470005	1270591	2294624	2650200
چین	719870	5788316	10473091	10248562
قزاقستان	270039	123955	106237	87068
قرقیزستان	14893	12142	1745	11375
روسیه	805694	432901	576552	1342654
پاکستان	58467	381826	225886	330237
تاجیکستان	1215	28734	23187	26097
ازبکستان	51189	96622	44365	46999
جمع کل	2391372	8135087	13745687	14743192

منبع: سایت تریدمپ (Trademap) - [/https://www.trademap.org](https://www.trademap.org)

جدول (4): حجم صادرات ایران به اعضای سازمان همکاری شانگهای، 2001-2018 میلادی، هزار دلار

کشور	2001 میلادی	2010 میلادی	2015 میلادی	2018 میلادی
هند	180158	1821698	2497185	2042922
چین	173975	4570966	7230385	9217702
قزاقستان	31645	68500	137864	131403
قرقیزستان	16448	40185	22050	33739
روسیه	60161	330576	173149	280510
پاکستان	79516	550924	639135	1247234
تاجیکستان	35888	189898	151198	78315
ازبکستان	81683	67474	237562	140950
جمع کل	659474	7640221	11088528	13172775

منبع: سایت تریدمپ (Trademap) - [/https://www.trademap.org](https://www.trademap.org)

3. روش تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ نوع هدف، تحقیق کاربردی و از لحاظ روش انجام، از نوع ترکیب پیمایشی-آماری است. پیمایشی از این جهت که برای انتخاب شاخص‌های ارزیابی و اولویت‌دهی سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای، از پرسشنامه و تکنیک کارت امتیازی متوازن (BSC) استفاده شده است. کارت امتیازی متوازن توسط کاپلان و نورتون¹³ در سال 1996 به شکل توسعه‌یافته جهت ارزیابی عملکرد براساس چهار فرآیند مشتری‌مداری، فرآیند داخلی، رشد و یادگیری و مالی ارائه شد. علاوه بر تکنیک کارت امتیازی متوازن، جهت وزن و ارزیابی و تحلیل، از یکی از پرکاربردترین روش‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه تحت عنوان تکنیک تاپسیس (TOPSIS) که توسط هوانگ و یین¹⁴ (1981) معرفی شده، با نرم افزار Smart Topsis Solver استفاده شده است. در این روش آماری، m گزینه توسط n شاخص مورد ارزیابی و اولویت‌دهی قرار می‌گیرند. اولویت‌دهی در این روش آماری بر مبنای آن است که گزینه انتخاب شده می‌بایست کمترین فاصله را با راه حل ایده‌آل مثبت (بهترین حالت ممکن) و بیشترین فاصله را با راه حل ایده‌آل منفی (بدترین حالت ممکن) پیدا کند، که این روش آماری دارای شش مرحله کمی کردن و بی‌مقیاس‌سازی ماتریس تصمیم، استخراج ماتریس بی‌مقیاس موزون، تعیین راه‌حل‌های ایده‌آل مثبت و منفی، بدست آوردن میزان فاصله هر گزینه تا ایده‌آل‌های مثبت و منفی، تعیین نزدیکی نسبی گزینه به راه‌حل ایده‌آل، و رتبه‌بندی نهایی گزینه‌ها می‌باشد. علاوه بر روش‌های بالا، در این پژوهش جهت گردآوری داده‌ها و اطلاعات از داده‌های اولیه (داده‌های استخراج شده از کارت امتیازی متوازن و پرسشنامه) و داده‌های ثانویه (داده‌های بانک‌های مرکزی، بانک جهانی و تریدمپ (Trade Map) استفاده شده است.

4. نتایج تجربی

طبق روش‌شناسی تحقیق ذکر شده در بخش قبل، ابتدا ماتریس تصمیم‌گیری متشکل از شاخص‌های کمی و کیفی به عنوان ستون ماتریس (n معیار در چارچوب کارت امتیازی متوازن در جدول 5) و اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای به عنوان گزینه‌های قابل ارزیابی (m گزینه) طراحی می‌شود. احصا شاخص‌های کمی و کیفی مندرج در جدول 5 بدین صورت بوده است که ابتدا از محل مطالعه پژوهش‌های انجام گرفته، مجموعه‌ای از شاخص‌ها به تعداد 44 عدد استخراج گردید و پس از آن با نظرخواهی از سه تن از اساتید دانشکده اقتصاد و دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران متخصص در حوزه تجارت بین‌الملل، 22 شاخص ذکر شده در جدول 6 نهایی شدند.

جدول (5): شاخص‌های تعیین شده براساس ابعاد کارت امتیازی متوازن

ابعاد کارت امتیازی متوازن	شاخص‌های کمی و کیفی
بعد مالی	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نرخ تورم، نقدینگی، حجم تسهیلات بانکی، متوسط نرخ سود
بعد بازار داخلی	تولید ناخالص داخلی، رشد اقتصادی، سهولت کسب و کار، سهم صنعت از تولید ناخالص داخلی، سهم کشاورزی از تولید ناخالص داخلی، سهم بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی، تعداد جمعیت، نرخ شهرنشینی



زبان مشترک بین اعضا، مرز مشترک بین اعضا، رتبه فساد اداری، رتبه ثبات سیاسی	بعد فرآیند داخلی
رتبه جهانی شدن اقتصاد، درجه باز بودن تجاری، درصد عضویت کشورهای عضو در سازمان تجارت جهانی، درصد دسترسی به اینترنت، متوسط سال عضویت کشورها در سازمان	رشد و یادگیری

منبع: یافته های تحقیق

در گام دوم، با توجه به اینکه در جدول ماتریس مرحله قبل، داده‌های شاخص‌ها از واحدهای مختلف تشکیل می‌شوند (دلار، صفر و یک، درصد و ...)، لذا برای یکسان‌سازی آنها در این مرحله معیارها بی‌مقیاس شده (هر عنصر ماتریس قبل را بر مجموع مجذور مربعات عناصر هر سطر تقسیم می‌شود) و ماتریس جدید تحت عنوان ماتریس بی‌مقیاس شده (جدول 6) بدست می‌آید.

جدول (6): ماتریس بی‌مقیاس شده

سازمان همکاری شانگهای	اتحادیه اقتصادی اوراسیا	شاخص‌های ابعاد کارت امتیازی متوازن	ابعاد کارت امتیازی متوازن
0/421	0/285	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	بعد مالی
0/288	0/213	نرخ تورم	
0/491	0/168	نقدینگی	
0/521	0/192	حجم تسهیلات بانکی	
0/021	0/003	متوسط نرخ سود	
0/533	0/311	تولید ناخالص داخلی	بعد بازار داخلی
0/192	0/268	رشد اقتصادی	
0/182	0/189	سهولت کسب و کار	
0/231	0/264	سهم صنعت از تولید ناخالص داخلی	
0/198	0/212	سهم کشاورزی از تولید ناخالص داخلی	
0/319	0/281	سهم بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی	
0/392	0/155	تعداد جمعیت	
0/021	0/088	نرخ شهرنشینی	
0/132	0/619	تعداد کشورهای عضو هم زبان	بعد فرآیند داخلی
0/082	0/529	تعداد کشورهای عضو دارای مرز مشترک	
0/262	0/281	درجه فساد اداری	
0/132	0/188	درجه ثبات سیاسی	
0/291	0/274	رتبه جهانی شدن اقتصاد	بعد رشد و یادگیری
0/173	0/188	درجه باز بودن تجاری	



0/515	0/492	متوسط سال‌های عضویت کشورهای عضو در سازمان تجارت جهانی
0/429	0/211	درصد دسترسی به اینترنت
0/318	0/098	میزان سال شکل‌گیری سازمان

منبع: محاسبات تحقیق

حال در مرحله بعد، ماتریس بی‌مقیاس شده موزون استخراج می‌شود. با توجه به آنکه شاخص‌های تعریف شده نسبت به هم اولویت و وزن خاصی دارند لذا جهت مدنظر قرار دادن این اولویت‌ها باید وزن هر شاخص در داده بی‌مقیاس شده ضرب شود تا ماتریس بی‌مقیاس شده موزون بدست آید. وزن شاخص‌ها توسط پرسشنامه فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) در نرم افزار Expert Choice بدست آمده که از ضرب وزن ابعاد اصلی کارت امتیازی متوازن و وزن شاخص‌ها، وزن نهایی بدست می‌آید که با تاثیر آنها در ماتریس بی‌مقیاس، ماتریس بی‌مقیاس موزون به صورت جدول 7 استخراج خواهد شد:

جدول (7): ماتریس بی‌مقیاس شده موزون

ابعاد کارت امتیازی متوازن	شاخص‌های ابعاد کارت امتیازی متوازن	اتحادیه اقتصادی اوراسیا	سازمان همکاری شانگهای
بعد مالی	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	0/003	0/004
	نرخ تورم	0/004	0/004
	نقدینگی	0/002	0/072
	حجم تسهیلات بانکی	0/001	0/028
	متوسط نرخ سود	0/005	0/029
بعد بازار داخلی	تولید ناخالص داخلی	0/008	0/041
	رشد اقتصادی	0/021	0/010
	سهولت کسب و کار	0/003	0/003
	سهم صنعت از تولید ناخالص داخلی	0/008	0/008
	سهم کشاورزی از تولید ناخالص داخلی	0/004	0/004
	سهم بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی	0/003	0/003
بعد فرآیند داخلی	تعداد جمعیت	0/011	0/053
	نرخ شهرنشینی	0/019	0/010
	تعداد کشورهای عضو هم‌زبان	0/063	0/012
	تعداد کشورهای عضو دارای مرز مشترک	0/051	0/019
	درجه فساد اداری	0/007	0/007
	درجه ثبات سیاسی	0/011	0/009



0/010	0/010	رتبه جهانی شدن اقتصاد	بعد رشد و یادگیری
0/016	0/021	درجه باز بودن تجاری	
0/032	0/031	متوسط سال های عضویت کشورهای عضو در سازمان تجارت جهانی	
0/029	0/005	درصد دسترسی به اینترنت	
0/024	0/016	میزان سال شکل گیری سازمان	

منبع: محاسبات تحقیق

گام بعدی پس از ایجاد ماتریس بی‌مقیاس موزون شده، تعیین راه حل ایده آل مثبت و منفی است (جدول 8). چنانکه شاخص دارای ماهیت مثبت باشد، در هر سطر از جدول 7، بزرگترین مقدار راه حل ایده آل مثبت و کوچکترین مقدار، راه حل ایده آل منفی خواهد بود (این روند برای شاخص دارای ماهیت منفی همچون تورم و فساد اداری بالعکس است).

جدول (8): ماتریس بی‌مقیاس شده موزون

ابعاد کارت امتیازی متوازن	شاخص های ابعاد کارت امتیازی متوازن	راه حل ایده آل مثبت	راه حل ایده آل منفی
بعد مالی	سرمایه گذاری مستقیم خارجی	0/0046	0/0032
	نرخ تورم	0/0041	0/0043
	نقدینگی	0/0722	0/0026
	حجم تسهیلات بانکی	0/00280	0/0011
	متوسط نرخ سود	0/0296	0/0054
بعد بازار داخلی	تولید ناخالص داخلی	0/0416	0/0082
	رشد اقتصادی	0/0216	0/0103
	سهولت کسب و کار	0/0038	0/0031
	سهم صنعت از تولید ناخالص داخلی	0/0081	0/0080
	سهم کشاورزی از تولید ناخالص داخلی	0/0048	0/0042
	سهم بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی	0/0036	0/0030
	تعداد جمعیت	0/0533	0/0119
بعد فرآیند داخلی	نرخ شهرنشینی	0/0194	0/0101
	تعداد کشورهای عضو هم زبان	0/0636	0/0122
	تعداد کشورهای عضو دارای مرز مشترک	0/0513	0/0198
	درجه فساد اداری	0/0071	0/0076
	درجه ثبات سیاسی	0/0117	0/0092
بعد رشد و یادگیری	رتبه جهانی شدن اقتصاد	0/0106	0/0100
	درجه باز بودن تجاری	0/0217	0/0163



0/0310	0/0327	متوسط سال های عضویت کشورهای عضو در سازمان تجارت جهانی
0/0051	0/0299	درصد دسترسی به اینترنت
0/0166	0/0249	میزان سال شکل گیری سازمان

منبع: محاسبات تحقیق

حال در این مرحله میزان فاصله هر گزینه تا ایده آل مثبت از طریق فرمول (1) محاسبه می شود:

$$d_i^+ = \sqrt{\sum_{j=1}^m (v_{ij} - v_j^+)^2} \quad (1)$$

که در فرمول بالا، d_i^+ نشان دهنده فاصله هر گزینه تا ایده آل مثبت، v_j^+ راهکار ایده آل مثبت و v_{ij} اهمیت هر گزینه نسبت به هر معیار در ماتریس بی مقیاس موزون است. جدول 9، میزان فاصله محاسبه شده هر گزینه (سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا) را تا ایده آل های مثبت نشان می دهد:

جدول (9). فاصله گزینه ها تا ایده آل های مثبت

گزینه	فاصله تا ایده آل مثبت
سازمان همکاری شانگهای	0/041
اتحادیه اقتصادی اوراسیا	0/078

منبع: محاسبات تحقیق

در ادامه همانند شیوه قبل، میزان فاصله هر گزینه تا ایده آل منفی (جدول 10) از فرمول (2) محاسبه می شود:

$$d_i^- = \sqrt{\sum_{j=1}^m (v_{ij} - v_j^-)^2} \quad (2)$$

که در فرمول بالا، d_i^- نشان دهنده فاصله هر گزینه تا ایده آل منفی، v_j^- راهکار ایده آل منفی و v_{ij} اهمیت هر گزینه نسبت به هر معیار در ماتریس بی مقیاس موزون است.

جدول (10). فاصله گزینه ها تا ایده آل های منفی

گزینه	فاصله تا ایده آل منفی
سازمان همکاری شانگهای	0/065
اتحادیه اقتصادی اوراسیا	0/040

منبع: محاسبات تحقیق

پس از محاسبه فاصله گزینه ها تا ایده آل های مثبت و منفی، می توان از فرمول (3) ضریب نزدیکی هر گزینه را محاسبه کرد:

$$c = \frac{d^-}{d^- + d^+} \quad (3)$$

که در رابطه فوق، d^- فاصله گزینه ها تا ایده آل منفی و d^+ فاصله تا ایده آل مثبت است. نقطه بهینه (ضریب نزدیکی در جدول 11) هر سازمان اقتصادی برای پیوستن ایران نزدیک ترین فاصله تا ایده آل مثبت و دورترین فاصله تا ایده آل منفی است. گفتنی است محاسبات مربوط به روش TOPSIS با استفاده از نرم افزار Smart TOPSIS Solver انجام شده است.



جدول (11). ضریب نزدیکی و رتبه‌بندی گزینه‌ها

رتبه	ضریب نزدیکی	گزینه
اول	0/613	سازمان همکاری شانگهای
دوم	0/338	اتحادیه اقتصادی اوراسیا

منبع: محاسبات تحقیق

طبق جدول 11، سازمان همکاری شانگهای با توجه به ارزیابی عملکرد در کارت امتیازی متوازن و روش رتبه‌بندی تاپسیس در اولویت بالاتری نسبت به اتحادیه اقتصادی اوراسیا برای ایران قرار دارد. به معنای دیگر سازمان همکاری شانگهای با داشتن ضریب نزدیکی بیشتر، بهینه‌تر و مطلوب‌تر برای اقتصاد ایران خواهد بود و در مقابل اتحادیه اقتصادی اوراسیا با توجه به ارزیابی عملکردش، نسبت به سازمان همکاری شانگهای جهت پیوستن ایران در اولویت دوم قرار گرفته است.

5. نتیجه‌گیری:

در حال حاضر با توجه به تحریم‌های اقتصادی اردوگاه غرب علیه جمهوری اسلامی ایران، فعالیت اقتصادی با شرکای تجاری مختلف یکی از اولویت‌ها و چالش‌های اقتصاد ایران به حساب می‌آید. در این حوزه، توسعه و بهبود چندجانبه‌گرایی در تجارت خارجی می‌تواند راه‌حل کارا در حل این چالش اقتصاد کشور ایران باشد. در این مقاله سعی بر آن بود تا بحث چندجانبه‌گرایی در تجارت خارجی ایران با توجه به فرصت‌های پیوستن به دو سازمان منطقه‌ای اتحادیه اقتصادی اوراسیا (که ایران با این سازمان از سال 2018 میلادی منطقه آزاد تجاری موقت به مدت سه سال برقرار کرده است) و سازمان همکاری شانگهای (که ایران از سال 2005 به عنوان ناظر به این سازمان پیوست) با توجه به یک روش علمی مبتنی بر ارزیابی عملکرد در کارت امتیازی متوازن و رتبه‌بندی تکنیک تاپسیس مورد توجه قرار گیرد.

یافته‌های این تحقیق نخست نشان می‌دهد که بحث چندجانبه‌گرایی و همگرایی منطقه‌ای، یک مساله چند بعدی است و عوامل مختلفی در تصمیم‌سازی برای این موضوع دخیل هستند. این یافته با نتایج مطالعات مارکوس-راموس و همکاران (Marquez-Ramos et al.) (2011)، دوبرائوسکا و سیرا¹⁵ (2015) که به تاثیر عوامل مختلف سیاسی و اجتماعی بر همگرایی تجاری کشورها دست یافته‌اند، مطابقت دارد. همچنین طبق یافته‌های بدست آمده در تحقیق حاضر، با توجه به شاخص‌های چهار بعد مالی، بازار داخلی، فرآیند داخلی، رشد و یادگیری کارت امتیازی متوازن، سازمان همکاری شانگهای از اولویت بالاتری نسبت به اتحادیه اقتصادی اوراسیا برای پیوستن کشور ایران برخوردار می‌باشد. با توجه به وجود دو کشور چین و هند به عنوان دو کشور پرجمعیت (دارای ظرفیت مصرف کنندگان اقتصادی بالا) و داشتن بازارهای نوظهور، عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای نسبت به عضویت در اتحادیه اقتصادی اوراسیا که تنها بر مبنای محوریت اقتصاد روسیه فعال است، برای اقتصاد کشور ایران دارای منفعت بیشتری است (سلیمان پور و سلیمانی درچاق (1395، ص: 69)



عنوان نموده‌اند که میزان موفقیت همگرایی اقتصادی اوراسیا بالا نبوده است). به دلیل عضویت کشور روسیه در سازمان همکاری شانگهای، ایران می‌تواند از توان بالقوه و بالفعل سه عضو سازمان بریکس (اقتصادهای نوظهور شامل هند، چین، روسیه، آفریقای جنوبی و برزیل)، یعنی چین، هند و روسیه همزمان بهره‌بردار. این نتیجه بدست آمده هم‌راستا با نتایج تحقیقات حاجی یوسفی و الوند (1387)، بزرگی و حسینی (1390)، رازینی و همکاران (1392) و جعفری و همکاران (1396) است که منافع ملی و اقتصادی و عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای را مورد توجه قرار داده‌اند و مخالف یافته‌های تحقیقاتی همچون میرفخرایی (1394) و عسگری (1398) که اتحادیه اقتصادی اوراسیا را سرشار منافع اقتصادی برای ایران می‌دانند، است.

پیشنهاد می‌شود خط‌مشی‌گذاران و مدیران اقتصاد ایران با اولویت‌بخشی به پیوستن به سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای پتانسیل و ظرفیت‌های تجاری - اقتصادی کشور را به مجموعه کشورهای کارا تر و مفیدتر وصل کنند. جهت پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود تا الزامات زیرساختی و قانونی مورد نیاز جهت توانمندسازی حوزه تجارت خارجی ایران در جهت منطقه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی مورد توجه بیشتر قرار گیرد و همچنین اثرگذاری این سازمان‌های منطقه‌ای بر اقتصادهای کشورهای عضو نیز مورد توجه قرار گیرد که این امر می‌تواند یافته‌های مفیدی جهت چشم‌انداز پیوستن به این سازمان‌ها برای مدیران و خط‌مشی‌گذاران کشور جمهوری اسلامی ایران به همراه داشته باشد به علاوه پیشنهاد می‌شود تا در حوزه چندجانبه‌گرایی تجاری و منطقه‌گرایی اقتصاد ایران برنامه‌ریزی مدون در سطوح عملیاتی و راهبردی توسط نهادها و سازمان‌های متولی همچون اتاق بازرگانی، وزارت اقتصاد، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و گمرک جمهوری اسلامی صورت پذیرد. زیرا بدون وجود برنامه مدون و همکاری نهاد‌های متولی در امر تجارت خارجی، احتمال همگرایی کارا و دائم ایران با بلوک‌های اقتصادی منطقه پایین خواهد بود.

کتاب‌نامه:

اختیاری امیری، رضا، علیپور، فاطمه و حسن زاده، فرامرز. (1398). تاثیر ناسیونالیسم اقتصادی امریکا بر نظم تجاری لیبرال. فصلنامه سیاست جهانی، 8 (1): 161-192.



- افراسیابی، مهران. پهلوانی، مصیب. و حسین زاده، رمضان. (1398). بررسی اثر سرمایه انسانی بر همگرایی منطقه‌ای در اقتصاد ایران: رهیافت اقتصادسنجی فضایی. مدلسازی اقتصاد سنجی، 16: 67-85.
- اکبریان، رضا. و شکری، محسن. (1398). جهانی شدن و منطقه‌گرایی اقتصادی در حوزه شورای همکاری خلیج فارس. فصلنامه سیاست جهانی، 5 (2): 177-208.
- بزرگی، وحید. و حسینی، میرعبداله. (1390). سازمان همکاری شانگهای: تحولات گذشته و چشم‌انداز آینده. مطالعات اوراسیای مرکزی، 4 (7): 1-26.
- بی نیاز، علی. (1390). نگاهی به تحولات تاریخی منطقه‌گرایی اقتصادی: از منطقه‌گرایی به نامنطقه‌گرایی. فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، 16 (115): 83-111.
- جعفری، علی اکبر، بلباسی، میثم و اسفندیار، شهرام. (1396). منافع ملی و عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای. دو فصلنامه دانش سیاسی، 13 (2): 163-200.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد. و الوند، مرضیه سادات. (1387). ایران و سازمان همکاری‌های شانگهای: هژمنی و ضد هژمنی. پژوهشنامه علوم سیاسی، 3 (2): 163-194.
- حیدریان دولت آبادی، محمدجواد. و مظاهری کوهانستانی، رسول. (1398). شروط مندرج در موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری جمهوری اسلامی ایران. بررسی مسائل اقتصاد ایران، 6 (1): 109-130.
- دهشیری، محمد رضا. و رضائی جعفری، محسن. (1393). نومنطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران، فصلنامه سیاست جهانی، 3 (2): 191-226.
- رازینی، ابراهیم علی. شاهانی، فائقه. و وجدانی طهرانی، هدیه. (1392). بررسی پتانسیل تجاری میان ایران و کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای (SCO) با استفاده از مدل جاذبه، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، 69: 1-17.
- رسولی نژاد، احسان. و کاظم نیا، ترانه. (1398). راهبردهای توسعه صادرات کالای ایرانی به بازار فدراسیون روسیه: مطالعه موردی فرآورده های لبنی. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، 6: 844-863.
- رنجکش، محمدجواد. (1396). جهانی شدن اقتصادی؛ امکان یا امتناع گزینه‌های دیگر (اسلام). فصلنامه بررسی مسائل اقتصاد ایران، 4 (2): 25-44.
- سرمست، حمیدرضا. بیژنی، علی. و اخباری، محمد. (1398). ارائه الگوی منطقه‌گرایی ایران و آسیای مرکزی. فصلنامه نگرش‌های نو به جغرافیای انسانی، 12 (1): 311-324.
- سلیمان پور، هادی. و دامن پاک جامی، مرتضی. (1388). نقش چندجانبه‌گرایی و ترتیب‌های تجاری منطقه‌ای در پیشبرد دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات اوراسیای مرکزی، 2 (3): 77-96.



سلیمان پور، هادی. و سلیمانی درچاق، مریم. (1395). همگرایی اقتصادی در اوراسیای مرکزی در تطبیق با الگوی کانتوری و اسپیکل. فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، 93: 69-98.

سیف زاده، حسین. (1389). نظریه پردازی در روابط بین الملل مبانی و قالب های فکری. نشر سمت: تهران.

صابری حقایق، رحمت علی. حسقلیپور، طهمورث. و آقازاده، هاشم. (1397). روابط تجاری ایران و روسیه: راهبردی برای توسعه تجارت غیر نفتی، 8 (1): 281-312.

عسگری، منصور. (1398). عوامل موثر بر صادرات ایران به اتحادیه اقتصادی اوراسیا. مدل سازی اقتصادی، 13 (47): 77-102. کمالی اردکانی، مسعود. (1387). فرصت ها و چالش های تعامل منطقه گرایی و چندجانبه گرایی. بررسی های بازرگانی، 6 (32): 59-71.

مانی، کامران. (1394). بررسی تطبیقی رابطه بین گسترش روابط تجاری با توسعه مالی بازار. فصلنامه بررسی مسائل اقتصاد ایران، 2 (2): 107-124.

متقی، سمیرا. سحابی، بهرام. متقی، افشین. و صفوی، بیژن. (1391). بررسی ایجاد یک بلوک تجاری در کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه (کاربرد هم گرایی اقتصادی). پژوهشنامه اقتصادی، 12 (47): 175-196.

محمدزاده اصل، نازی. و محمدی، فرناز. (1391). بررسی عوامل موثر بر صادرات غیر نفتی ایران با تاکید بر جهانی شدن. فصلنامه علوم اقتصادی، 1: 7-30.

محمدی پور، سعید. اخباری، محمد. و حمزه، فرهاد. (1398). ارایه الگوی همگرایی منطقه ای فیما بین کشورهای ایران، عراق و ترکیه با تاکید بر ساختار ژئوپلتیکی منطقه. فصلنامه نگرش های نو به جغرافیای انسانی، 11 (4): 423-434.

مشیرزاده، حمیرا. (1390). نظریه های روابط بین الملل. انتشارات سمت: تهران.

میرفخرایی، سیدحسن. (1394). اتحادیه اقتصادی اوراسیا و الزامات ژئواکونومیک آن برای ایران. پژوهشنامه روابط بین الملل، 8 (32): 143-175.

Bagwell, K., and Staiger, R.W. (2004). Multilateral trade negotiations, bilateral opportunism and the rules of GATT/WTO. *Journal of International Economics*. 63 (1). pp. 1-29.

Baldwin, E.R., and Venables, J.A. (2004). *Regional Economic Integration*. London School of Economics.

Cantori, L., and Spiegel, S. (1973). *The Analysis of Regional International Politics: The Integration Versus the Empirical Systems Approach*. International Organization. 27 (4). pp. 465-494.

Choi, J.Y. (2012). A Comparative Analysis of Economic Regionalism in Europe and East Asia: A Historical Institutional Approach. *Journal of International and Area Studies*. 19 (1). pp. 59-77.

Coulibaly, S., Erbao, C., and Mekongcho, T. (2018). Economic globalization, entrepreneurship, and development. *Technological Forecasting and Social Change*. 127. pp. 271-280.



Dubravska, M., and Sira, E. (2015). The Analysis of the Factors Influencing The International Trade of The Slovak Republic. *Procedia Economics and Finance*. 23. pp. 1210- 1216.

Erguzel, O., Tunahan, H., and Esen, S. (2016). Measuring the globalization of cities from the new regionalism perspective. *SpringerPlus*. 1536. DOI: <https://doi.org/10.1186/s40064-016-3179-0>

Fernandez, R. (1997). Returns to Regionalism: An Evaluation of Nontraditional Gains from Regional Trade Agreements. Research working paper; no. WPS 1816 Washington, D.C.: World Bank Group.

Freund, C. (2000). Multilateralism and the endogenous formation of preferential trade agreements. *Journal of International Economics*. 52 (2). pp. 359 – 376.

Hoekman, B., Matoo A., and English Ph. (2002). *Development, Trade and the WTO, Development, trade and the WTO: a handbook (English)*. Washington, D.C.: World Bank Group.

Hwang, C.L. and Yoon, K. (1981). *Multiple Attribute Decision Making: Methods and Applications*. Springer-Verlag, New York.

Kaplan, R. and Norton, D. (1996). *The Balanced Scorecard: Translating Strategy into Action*. Harvard Business School Press. Massachusetts.

Marquez-Ramos, L., Martinez-Zarzoso, I., and Suarez-Burguet, C. (2011). Determinants of Deep Integration: Examining Socio-political Factors. 22. pp. 479- 500.

Pangestu, M., and Scollay, R. (2001). *Regional Trading Arrangements: Stocktake and Next Steps*. Trade Policy Forum, Bangkok, Thailand.

Park, I., and Park, S. (2007). *Reform-Creating Regional Trade Agreements and Foreign Direct Investment: Applications for East Asia*. Working Paper Series Vol. 2007-01, The International Centre for the Study of East Asian Development, Kitakyushu.

Rasoulinezhad, E. (2020). Energy Trade and Economic Integration between the Commonwealth Independent States and China. *Journal of Economic Integration*. 35 (1).pp. 172-190.

Saggi, K., and Yildiz, H.M. (2010). Bilateralism, multilateralism, and the quest for global free trade. *Journal of International Economics*. 81 (1). pp. 26 – 37.

Schiff, M., and Winters, L.A. (2002). Regionalism and Development: The Implication of World Bank Research for ACP and Latin American Countries. *Journal of World Trade*. 36(3). pp 479-499.

Sugimoto, Y., and Nakagawa, M. (2011). Endogenous trade policy: Political struggle in the growth process. *Structural Change and Economic Dynamics*. 22. pp. 12-29.

Todaro, M.P., and Smith, S.S. (2006). *Economic Development*. United States: Pearson Education.

Zhang, J., and He, X. (2014). Economic nationalism and foreign acquisition completion: The case of China. *International Business Review*. 23. pp. 212-227.